

بررسی حرمت تکلیفی تکسب از طریق قاچاق مواد مخدر از منظر فقه امامیه

فرضعلی فعلی^۱

حسین رزاقی^۲

دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱

چکیده

تجارت مواد مخدر از تولید تا مصرف پرسودترین و عظیم ترین تجارت غیرقانونی در جهان محسوب می شود. مواد مخدر در نیم قرن اخیر، به علت تنوع، گستردگی، اعتیاد، فضای تجارت بزرگ و آثار زیان آور اجتماعی، خصوصیات پیدایافته است که می توان آن را به عنوان یکی از موضوعات مستحدثه به حساب آورد و برای استنباط حکم شرعی آنها به اجتهاد پرداخت. یکی از مسائل مهم مربوط به مواد مخدر، مسأله کسب درآمد از طریق قاچاق آن است. در این مقاله جهت تعیین حکم تکلیفی تکسب از طریق قاچاق مواد مخدر ناگزیر می شویم پس از شناساندن انواع مواد مخدر و آثار و زیانهای هر کدام، ابتدا حکم تکلیفی مصرف و استعماع مواد مخدر را از منابع فقهی استخراج و سپس دلایل حرمت کسب درآمد از طریق قاچاق مواد مخدر را بیان نماییم. این مقاله به روش تحلیلی به موضوع پرداخته و به شیوه اجتهادی به مسأله پاسخ داده است. یافته های مهم تحقیق این است که مواد مخدر جدید به شدت مضر می باشد و مصرف مواد مخدر به دلیل ضررهای فراوان فردی و اجتماعی حرام است و استفاده های بهداشتی و درمانی نیز از آنها متصور نیست. بنابر این هر امری که موجب محقق شدن مصرف مواد باشد، حرام قطعی است.

واژه گان کلیدی: مواد مخدر، کسب، حرمت، قاچاق، فقه امامیه

۱. مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه کردستان و دانشگاه علوم پزشکی (نویسنده مسئول)

۲. مدرس جامعه المصطفی العالمیه واحد آشتیان

مقدمه

مواد مخدر از هزاران سال قبل نزد بشر شناخته شده و به خواص دارویی آن پی برده و آن را برای مداوا استفاده می‌کردند. این مواد از حدود پنج قرن پیش در بین مردم رایج و جنبه تجاری پیدا کرده است و از اوایل قرن هجدهم به یک حربه استعماری در دست قدرتهای بزرگ علیه ملت‌های ستمدیده تبدیل شده و امروز به عنوان یک معضل بزرگ جهانی توجه و واکنش مجامع بین الملل و کشورها را به خود معطوف داشته است. کشور ما نیز با توجه به مجاورت با کشورهای تولید کننده عمده آن و قرارگرفتن در مسیر ترانزیت مواد، با این معضل دست به گریبان است و مبارزه با آن را با جدیت ادامه می‌دهد.

در ابتدای کنوانسیون بین المللی مبارزه با قاچاق مواد مخدر که یک سند بین المللی است مطالبی درج شده که نشان از عمق نگرانی جامعه بشری از رشد روز افزون مواد مخدر در جهان دارد. امضاء کنندگان این کنوانسیون، با نگرانی عمیق از حجم و روند رو به افزایش تولید، تقاضا و قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان‌گردان که تهدیدی جدی برای سلامت و سعادت بشریت به شمار می‌رود و بنیادهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه را به مخاطره می‌افکند، نگرانی خود از نفوذ دائمی التزاید قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان به گروههای مختلف اجتماعی و به ویژه استفاده از کودکان در بسیاری از مناطق جهان در بازار مصرف قاچاق مواد مخدر به منظور تولید، توزیع و تجارت مواد مخدر و داروهای روان‌گردان اعلام می‌کنند.... با درک روابط بین قاچاق مواد مخدر و سایر فعالیت‌های سازمان یافته بزهکارانه که نظام اقتصادی را تضعیف و ثبات، امنیت و حاکمیت دولت‌ها را تهدید می‌نماید و با آگاهی از اینکه قاچاق مواد مخدر منافع و ثروت‌های کلانی را برای سازمان‌های جنایتکار برون مرزی به دنبال داشته و آنها را قادر می‌سازد تا در ساختار دولت‌ها، فعالیت‌های مشروع تجاری و مالی و کلیه سطوح جامعه رخنه نمایند. (کنوانسیون سازمان ملل متحد برای

مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب کنفرانس مورخه ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ در ششمین جلسه عمومی برگرفته از کتاب مجموعه قوانین و مقررات مبارزه با مواد مخدر پروژه مشترک ستاد مبارزه با مواد مخدر ج، ۱، ایران. (

مواد مخدر

اصطلاح مواد مخدر دارای دو معنای اخص و اعم می باشد. مواد مخدر به معنای اعم بر اساس نوع اثر اولیه که بر مغز می گذارند و مصرف دراز مدت آنها باعث وابستگی می گردد، به انواع: مخدرها، فراورده های شاه دانه، توهم زاها و محرکها دسته بندی می شوند و بر اساس منشأ اولیه تولید آنها به انواع طبیعی، صنعتی یا شیمیایی تقسیم می شوند. (این طبقه بندی توسط سازمان بهداشت جهانی ارایه گردیده است.)

انواع مواد مخدر و آثار آنها

دسته اول مخدرها: خشخاش، تریاک، مرفین، هروئین، شیره و کدوئین. از آثار و زیانهای جسمی و روانی مصرف این دسته از مواد می توان به وابستگی شدید جسمی، روانی، خشکی دهان، بی حسی و کرختی، تهوع، یبوست، تعریق، مرطوب شدن و خارش پوست بدن، ازدیاد ادرار، تنگ شدن مردمک چشم، اشکالات تنفسی و احتمال توقف تنفس و مرگ بر اثر استعمال زیاد، اضطراب، افسردگی، بدخلقی، خواب آلودگی، از دست دادن اشتها، نامنظمی در قاعدگی، ضعیف شدن عکس العملها، ناراحتی های ریوی، هیپاتیت و عفونتهای ناشی از تزریق غیر بهداشتی، آبه، کزاز، فشارخون، ضایعات و آسیبهای مغزی در نتیجه مصرف مداوم اشاره کرد. (باصری، ۱۳۸۴، ص ۳۱)

دسته دوم: فراورده های شاه دانه (شانوری)، حشیش، ماری جوانا (گراس)، تی اچ سی، چرس، گانجا و بنگ.

از آثار جسمی و روانی این دسته می توان به هیجان بسیار، به هم خوردگی حالت هوشیاری و آگاهی مصرف کننده، حالات وهم و خیال همراه با موجی از افکار مغشوش، اختلال در درک صحیح زمان، مکان، بینایی و شنوایی، احساس وحشت،

ترس، افکار مالیخولیایی، خرافی غیر عادی، قرمز شدن چشم، ادرار مداوم، عدم توانایی رانندگی، احساس قدرت بیش از حد، گیجی، نگرانی، سرگردانی، توهمات و ... اشاره کرد. (باصری، همان، ص ۱۷)

دسته سوم: توهم زها، ال اس دی، پی سی پی و پی ام دی.آ.

این دسته از مواد به عنوان تضعیف یا تحریک کننده سیستم مرکزی اعصاب مورد استعمال قرار می گیرد. مهمترین اثرات سوء آنها ایجاد تغییرات اساسی در حالات عاطفی، رفتاری، خلقی و روانی فرد است. ایجاد حالات توهمی، سمعی و بصری و تصورات موهوم که اغلب شبیه رویاها و کابوسهای شبانه است از جمله دیگر اثرات این مواد است. (باصری، همان، ص ۳۸)

دسته چهارم محرکها، آفتامینها از جمله آنها متامفتامین یا همان شیشه **Glass** را باید نام برد، اکتساز، دوپینگ، کوکائین، کراک، ناس و الکل را می توان مورد اشاره قرار داد. (تارهای نهان، توسط مرکز مشاوره دانشگاه تهران و اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ص ۶) این دسته از مواد عامل محرک، ایجاد کننده هیجان و انرژی، چابکی زیاد و احساس سرخوشی، توهم حسی (بینایی و شنوایی) پرحرفی، گشادگی مردمک چشم، هیجان و بی قراری، بی خوابی، رعشه و لرزش، تصورات و خیال باطل، ازدیاد ضربان قلب، نبض و فشار خون، عرق کردن، ازدست دادن اشتها، احساس قدرت زیاد و برتر بودن، ایجاد حالات تهاجمی و پرخاشگرانه، بالا و پایین پریدن، هستند. (باصری، همان، ص ۵۲) اما منظور ما از مواد مخدر در این نوشتار، تمام انواع موادی است که در فوق به آنها اشاره شد که آثار جسمی و روحی منهیّ عنه را در شرع به دنبال دارد و پس از یک یا چند بار مصرف موجب اعتیاد می گردد. به عبارت دیگر معنای عام مواد مخدر مدنظر می باشد.

قاچاق

اصطلاح قاچاق کلمه علمی است که شامل هر نوع وارد کردن و خارج کردن کالایی را از مرزهای دریایی، زمینی و هوایی یک کشور به کشور یا کشورهای دیگر بدون پرداخت

عوارض گمرکی می باشد که مواد مخدر نیز می تواند جزئی از این کالاها باشد. (باصری، همان، ص ۱۹۸)

محل نزاع: ممکن است تصور شود که درآمدهای حاصل از صرف قاچاق یعنی وارد کردن مواد مخدر به کشور و یا خارج کردن آن صرفاً محل بحث و نزاع در این مقاله است. حال آن که محل نزاع درآمد و سرمایه های حاصل از مراحل تولید (اعم از زراعت و فرایند عمل آوری مواد مخدر) نگهداری حمل و نقل، خرید، توزیع و فروش، مصرف، ایجاد مکانی جهت استعمال و ارایه خدمات و ابزار برای سهولت تولید، توزیع و مصرف مورد مذاقه و بررسی قرار خواهد گرفت. سخن در مورد درآمدهای حاصل از قاچاق مواد مخدر در انواع و اقسام مختلف آن و بررسی حکم تکلیفی و وضعی آن مستلزم پرداختن به ثبوت حرمت یا جواز استعمال و مصرف مواد مخدر است. به دیگر سخن ابتدا باید نظر شریعت در باب استعمال مواد مخدر دانسته شود تا بعد در مورد تکسب از این مواد سخن گفت.

پیشینه بحث مواد مخدر در فقه

نفس مواد مخدر یک موضوع مستحدثه نیست؛ زیرا برخی از آنها در کلمات پیشوایان مذهب و فقهای قدیم ذکر شده است. بنج، مفتر، افیون و مخدر چهار اصطلاحی است که در روایات و هم در کلمات فقها آمده و آثار و احکام شرعی مختلفی بر آن مترتب شده است. (سلمانیپور، ۱۳۸۲، ۱۲۰ - ۱۵۲)

شیخ طوسی در مبسوط آورده است: «فأما من زال عقله بشرب البنج و الأشياء المسكرة و المرقده و الأدویه المجننه فزال عقله، فإن كان إنما شربه تداویا فهذا معذور، والحکم فيه كالمجنون» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۵ ص ۵۱) ابن براج در مهذب گفته است: «واما البنج : فإنه متى بنج غیره بشیء سقاه أو أطمعه حتی سکر منه و اخذ ماله و جب ان یعاقبه الأمام بحسب ما یراه، ویسترجع منه ما أخذ، فان جنی الإسکار و البنج علی ذلک الإنسان جنایه، کان علیه ضمان ماجناه» (طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۲ ص ۵۵۴) حلی در التنقیح چنین می گوید: «اما ما یغیر لا غیر فان حصل معه تعیب الحواس الخمس فهو المرقد و ان لم

یحصل فهو مفسد العقل كما في البنج و الشوکران» (حلی، ۱۴۰۴، ج ۴ ص ۵۱۶) حلی در معالم الدین عبارتی بدین مضمون دارند: «و لاحت علی المستلب، والمختلس و المحتال بالتزویز، و الرسائل، والبنج و المرفد، بل یعزّر و یعید المال، و یضمن جنایته ذلك» (حلی، ۱۴۲۴، ج ۲ ص ۵۱۶)

شبهه به همین فتاوی و مضامین را شیخ طوسی در کتاب خلاف (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۸۰)، شیخ مفید در المقنعه (مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۵)، ابن ادریس حلی در السرائر (حلی، ۱۴۱۰، ص ۵۱۱) یحیی بن سعید حلی در جامع الشرائع (حلی، یحیی بن سعید، ۱۴۰۵، ص ۵۶۴)، علامه حلی در تحریر الأحکام (حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۲۰، ج ۵ ص ۳۸۳)، بهاء الدین عاملی در جامع عباسی (عاملی، بهاء الدین، ۱۴۲۹، ص ۷۶۳) و بسیاری دیگر از فقها ذکر نموده اند.

عبارت فقها نشان می دهد که بر موضوع مواد مخدر، مانند بنج (بنگ) که جزء دسته دوم مواد و از خانواده شاه دانه، حشیش و ماری جوانا می باشد، واقف بوده و به آثار سوء جسمی و روانی آن چون زوال عقل، نقصان جسم و حواس توجه داشته اند. اما هرگز مصرف این مواد به شکل امروزی با مسائل پیچیده آن مطرح نبوده و دو موضوع اعتیاد و قاچاق مواد مخدر به شکل امروزی وجود نداشته است، بلکه یا به عنوان دارو در موارد نادر، یا ابزاری برای ربودن مال دیگری تلقی می کرده اند. در عین حال غالباً قائل به حرمت آن بوده اند.

حکم تکلیفی استعمال مواد مخدر

تعیین حکم تکلیفی کسب درآمد و سرمایه حاصل از هر یک از مراحل تولید تا مصرف مواد مخدر از میان احکام خمس متوقف بر ثبوت حکم تکلیفی حرمت یا جواز استعمال و مصرف مواد مخدر می باشد. افزون بر این که نحوه اثبات این حکم اساس و مبنای مباحث بعدی در خصوص احکام وضعی می باشد.

امروزه درصد بالایی از مسلمانان استعمال مواد مخدر را مباح یا مکروه می پندارند، از این رو در استعمال آن تسامح می ورزند، در حالی که اگر اعتقاد به حرمت همچون اعتقاد

به سایر مسکرات در بین مسلمانان پذیرفته شده بود، مواد مخدر به سادگی نمی‌توانست جوامع اسلامی را فراگیرد. اغلب صاحب نظران هم از آن به عنوان یک پدیده زشت اجتماعی و دارای اثر زیانبار یاد کرده‌اند و مباحث مبنایی دال بر حرمت شرعی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس در بند ۵ قطعنامه اولین سمینار بررسی مسائل اعتیاد (اردیبهشت ۱۳۶۴) بر شناساندن حرمت شرعی مواد اعتیاد آور تأکید شده است. از زمان مرحوم سیدابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ ه ق) تا امروز فتاوی صریحی در خصوص استعمال مواد مخدر از مراجع و مجتهدین در دست می‌باشد. (اسعدی، ۱۳۸۲) در لابه‌لای کلمات فقهای بزرگ قدیم نیز کلماتی وجود دارد که حکایت از حرمت مواد مخدر نزد آنان دارد.

این مواد و مشتقات آنها در پزشکی امروز یا مطلقاً کاربرد ندارد، مانند تریاک، شیره، هروئین، حشیش و کوکائین و یا اگر مصرف پزشکی دارد، مانند مرفین، مورد سوء مصرف بسیار زیاد قرار می‌گیرد. بنابر این به نظر می‌رسد نمی‌توان فایده و آثار مقصوده عقلایی در صورت دسترسی عموم برای آنها قایل شد. این درحالی است که مضار و آثار سوء فردی و اجتماعی آن بر هیچ کس پوشیده نیست. علاوه بر آثار سوء فیزیکی، جسمی و آثار سوء روانی و زوال عقل و سستی اراده، اکثراً باعث می‌شود مصرف کننده مرتکب جنایاتی از قبیل دزدی تجاوز به عنف، قتل، کلاهبرداری، شکستن حریم خانواده ها و... گردد. (اسعدی، ۱۳۷۲، ص ۲۸)

با در نظر گرفتن مصلحت فرد و جامعه، می‌توان مواد مخدر را در تعارض با آنها تحلیل نمود. مصلحت عقل، مصلحت مال، مصلحت نفس، مصلحت عرض و مصلحت دین، مصالحی هستند که هدف شارع حمایت از آنهاست و جعل همه احکام اعم از الزامی و غیر الزامی برای حفظ و رعایت آنها و جلوگیری از لطمه خوردن آنها می‌باشد. مصرف مواد مخدر و قاچاق آن واقعیتی است که در نیم قرن اخیر به هر یک از مصالح خمسسه توسط مصرف کننده یا قاچاقچی لطمه وارد می‌کند. (سلمانیپور، همان)

ادله حرمت مصرف مواد مخدر

آیه تهلکه :

«وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (سوره بقره آیه ۱۹۵) در راه خدا انفاق کنید و خود را به تهلکه و خطر نیفکنید. این آیه از جمله ادله ای است که گروهی از فقهای شیعه و سنی برای استنباط حکم اضرار به نفس بدان استدلال نموده اند. جمله «و لا تلقوا بأيديکم الی التهلکه» اگر چه دنبال جمله قبلی آمده است، اما کلامی مستقل است و حکم تحریمی آن اختصاص به انفاق نداشته و جمیع موارد القای تهلکه را شامل می شود خواه مربوط به انفاق باشد و خواه به غیر انفاق، خواه در اثر افراط باشد یا تفریط. همانطور که در مفهوم ابتدای آیه علاوه بر نهی امساک از انفاق، زیاده روی در آنرا نیز در بر می گیرد. بنابر این آیه «لا تلقوا بأيديکم الی التهلکه» یک قاعده کلی است که از مصادیق انداختن خود به تهلکه، افراط و تفریط در انفاق است. (رضایی نسب، ۱۳۸۸، ص ۸۸)

واژه «القاء» در زبان عربی به چند معنای نزدیک به هم به کار رفته است : ۱- انداختن ۲- پیش رو انداختن ۳- پرتاب کردن ۴- قرارداد ۵- چیزی را رو به پایین قراردادن ۶- رساندن ۷- توصیف کردن . (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل ماده لقی) کلمه «ید» در زبان عربی و استعمالات قرآنی (مائده آیه ۶، بقره آیه ۲۳۷، فتح، آیه ۱۰) در چند معنا به کار رفته است، نظیر ۱- دست ۲- نیرو ۳- بدست آوردن و مالکیت ۴- نعمت ۵- یاری ۶- مباشرت. «تهلکه» را بیشتر لغوی ها به هلاکت معنی کرده اند، گرچه تعبیر آنها در بیان آن متفاوت است: ۱- هلاک ۲- هرکاری که عاقبتش هلاکت است ۳- هرچه که منجر به هلاکت می شود.

اگر کلمه «باء» در «بأیدیکم» زاید باشد در این صورت «بأیدیکم» مفعول برای فعل «لا تلقوا» خواهد بود و چون «انداختن دستهایتان به تهلکه» به ظاهر معنای درستی ندارد، پس باید منظور از کلمه «ایدی»، «انفسکم» یا «قدرت». علت وجه اول این است که اکثر کارهای انسان با دست انجام می شود و لذا تعبیر به «ایدی» به جای «انفسکم» بدل بعضی از کل است. بنابراین معنای آیه خواهد شد که «خود را به هلاکت نیندازید».

در این که مقصود از تهلکه چیست؟ سه احتمال قابل تصور است. ۱- تهلکه مادی ۲- تهلکه معنوی ۳- تهلکه هایی اعم از مادی و معنوی. اگر منظور تهلکه های مادی باشد، چند چیز می تواند در معنای آیه مورد نظر باشد. انفاق اسراف، بخل و ترک انفاق، انفاق امور پست، عدم تأمین هزینه های جنگ، بی مبالاات جنگیدن، ترک جهاد، قتل نفس و جنگیدن بدون زاد و توشه. اگر آیه ناظر به تهلکه های معنوی باشد چند معنا متصور است: ترک واجبات، انجام گناه، ترک توبه، یأس و ناامیدی و ابطال اعمال. البته آیه کریمه، آن گونه که عده ای از مفسران احتمال داده اند، می تواند در برگیرنده مطلق تهلکه، اعم از مادی یا معنوی باشد. (طباطبایی، ج ۲ ص ۷۴)

فقه‌های شیعه و اهل سنت در برخی از فروع فقهی، به این آیه استناد کرده‌اند. گرچه موارد استدلال ایشان مورد بحث نیست، ولی از نحوه استدلال آنها می توان به فهم آنان از معنای آیه پی برد. فقها در مواردی چون، تیمم هنگام ترس بر جان، تیمم از ترس سرما، روزه هنگام ترس از مرض، حج در فرض عدم امنیت بر جان، به آیه شریفه تهلکه استدلال کرده‌اند.

به نظر می رسد آیه فوق در مقام تحریم به خطر انداختن جان خود است. زیرا تهلکه به معنای هلاکت نیست و شاید بتوان آن را به اعمال مرگبار (ما یودی الی الهلاک) معنا کرد. البته واضح است که چنین اعمالی حتماً منجر به هلاکت و مرگ نمی‌شوند و بر همین اساس است که گروهی (تهلکه) را به بیابان (مفازه) معنا کرده‌اند، چه این که در بیابان بیم هلاکت وجود دارد، نه هلاکت فعلی. میان هلاک و تهلکه تفاوت وجود دارد. به طور مثال صاحب جواهر میان مرگ و القاء در تهلکه تفاوت گذاشته و لذا خودکشی با سم را از مصادیق القاء در تهلکه نمی‌داند چرا که سم خوردن، خود را کشتن است، نه خود را در معرض مرگ قرار دادن. (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۲۸، صص ۲۷۵، ۲۷۶) نتیجه اینکه القاء در تهلکه همان ارتکاب کارهای خطرناک است که می توانند در پاره ای از موارد منجر به مرگ هم بشوند.

آنچه از استدلال‌های آنان به دست می‌آید این است که القاء در تهلهکه منحصر در هلاکت نیست؛ بلکه معنای آن امری است اعم از مرگ و ضررهای جسمانی که به حد مرگ نمی‌رسد. بنابراین، آیه به وضوح دلالت بر حرمت به خطر انداختن خود می‌کند؛ چه به حد مرگ و هلاکت برسد؛ چه نرسد. (نظری توکلی و احسان پور، ۱۳۸۹)

آیه قتل

«يا ايها الذين آمنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منكم ولا تقتلوا انفسكم ان الله كان بكم رحيمًا» (سوره نساء آیه ۲۹)

مراجعه به سخنان مفسران شیعه و سنی پیرامون این آیه، این سوال اساسی را می‌توان مطرح کرد که آیا کلمات «قتل» و «انفسکم» در معنای حقیقی خود یا در معنایی مجازی و متناسب با آن به کار رفته‌اند؟ به نظر می‌رسد جمله «لا تقتلوا انفسکم» را به دو شکل می‌توان لحاظ کرد: یک مرتبه بدون در نظر گرفتن صدر و ذیل آن و یک مرتبه با ملاحظه آنها. در صورت اول، بدون شک، آیه ظاهر بلکه صریح در حرمت خودکشی است. این معنا احتیاجی به تصرف در هیچ یک از کلمات آیه ندارد؛ نه در کلمه «قتل» و نه در کلمه «نفس».

در صورت دوم؛ صدر و ذیل آیه حاکی از توسعه در معنای آن است. یعنی تنها مدلول آیه خودکشی نیست و باید از ظهور اولیه آن دست کشید. مفهوم آیه با ملاحظه روایات وارده در تفسیر آن، بسیار نزدیک به مفهوم آیه شریفه «لا تلقوا بایدیکم الی التهلهکه» است یعنی «به هلاکت انداختن» معنای جامعی است که در برگیرنده همه معانی مجازی و حقیقی ذکر شده در معنای آیه خواهد بود. براین اساس، معنای آیه این خواهد شد: «خود را به کشتن ندهید». استدلال فقها در برخی از فروعات فقهی به آیه اینگونه است که معنای آن را به «قتل» اختصاص نداده‌اند، بلکه معنای وسیع‌تر از آن را استنباط کرده‌اند. شاهد آن، مواردی است در متون فقهی به دو آیه «ولا تلقوا بایدیکم الی التهلهکه» و «لا تقتلوا انفسکم» در عرض هم استدلال کرده‌اند. (حلی، علامه، همان، ج ۱، ص ۱۳۵؛ نجفی، همان، ج ۵ ص ۱۰۲)

نتیجه اینکه مراد از قتل، زدن و مجروح کردن و هر نوع ضرری است که به طور عادی موجب مرگ و کشته شدن نمی‌شود. برخی از علمای شیعه در بحث جلوگیری از وارد کردن هر گونه ضرری به بدن به این آیه استناد کرده اند مثلاً مرحوم شیخ طوسی در بحث حلال بودن میته برای کسی که ناچار است و احتمال تلف شدن از گرسنگی او می‌رود می‌گوید: «واما وجوب الاکل خوفاً علی نفسه، فقال قوم یجب علیه و هوالصحیح عندنا لان دفع المضار واجب عقلاً و لقوله تعالی: «ولا تقتلوا انفسکم» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۲۸۵) مرحوم مقدس اردبیلی نیز در زبده البیان، برای قتل معنای وسیع قائل بوده و ضرب و جرح را نیز در مفهوم آیه داخل می‌داند. (مقدس اردبیلی، زبده البیان فی احکام القرآن ص ۴۲۸)

هرچند استناد بعضی از علما به این آیه شریفه نمی‌تواند حجت قطعی برای تمسک به آیه برای تعمیم آن به نهی از هر ضرری حتی کمتر از قتل باشد، لکن می‌توان با استناد به آن، قتل را به قتل تدریجی تعمیم داده و اعمالی که انسان را به مرگ نزدیک کرده و موجب فنا و نابودی و خودکشی تدریجی می‌شود یا سمومی که استعمال آنها احتمال مرگ انسان را قوت می‌بخشد مشمول آیه بدانیم.

آیه اسراف

«کلوا و شربوا و لاتسرفوا انه لایحب المسرفین» (سوره اعراف آیه ۳۱) خداوند متعالی اشاره به دو نوع از مواهب خویش یعنی خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های پاک نموده و به خاطر طبع زیاده خواه انسان و همچنین برای جلوگیری از سوء استفاده و خروج از حالت عاقلانه و اعتدال، از اسراف کردن نهی می‌کند. در این رابطه به چند نکته اشاره میشود. کلمه اسراف یک کلمه بسیار جامع است که هر گونه زیاده روی در کمیت و کیفیت و بیهوده گرایی و اتلاف و مانند آنرا شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۳۵۲) اسراف به معنی تجاوز از حد و زیاده روی کردن است و آن یا از جهت کمیت است که صرف کردن مال است در موردی که سزاوار نیست شرعاً یا عقلاً هر چند به مقدار درهمی باشد و یا از جهت کیفیت است و آن صرف کردن مال است لیکن بیشتر از آنچه شایسته است.

اسراف سه قسم است که در همه و جمیع حالات حرام و اختصاص به شخص یا زمان و یا جایی ندارد. اول؛ ضایع کردن مال هر چند آن مال کم باشد مثل دور انداختن هسته خرما، زمانی که قابل استفاده باشد. دوم؛ صرف کردن مال در آنچه به بدن ضرر می رساند از خوردنی و آشامیدنی و غیر آنها مانند خوردن چیزی پس از سیری هرگاه مضر باشد. چنانچه صرف مال در آنچه نافع و صلاح آن است اسراف نیست. سوم، صرف کردن مال در مصرف هایی که شرعاً حرام است مانند خریدن شراب و آلات قمار و اجرت فاحشه و رشوه دادن به حکام و صرف نمودن مال در چیزی که خللی در بردارد یا ستمی به مسلمانی بکند و نظیر آن. (دستغیب، ج ۲، ص ۹۵)

در مجموع می توان گفت که هر چیز مفید و مثبتی که بیهوده صرف امری بی فایده و غیر لازم شود اسراف است. حال اگر یک فرد نیرو و توان جسمی درونی خود را صرف استعمال مواد مخدر (که علاوه بر زیانهای جسمی و روحی، ضایع نمودن قدرت فردی و اجتماعی و اقتصادی را به دنبال دارد) نماید آیا این از مصادیق بارز اسراف نیست؟ خصوصاً که مصرف این مواد انسان را به ارتکاب معصیت و سرکشی از فرمان خدا کشانده و او را از انجام حداقل تکالیف دینی خود باز می دارد. همچنین اعتیاد به مواد مخدر و مصرف آن هیچ سود و عایدی را نصیب انسان نمی گرداند که خود از مصادیق اسراف و خرج کردن سرمایه از راه غیر مشروع است. (رضایی نسب، مسعود، همان)

آیه حرمت خمر

«يسئلونك عن الخمر و المسير قل فيهما اثم كبير و منافع للناس و اثمهما اكبر من نفعهما»
(بقره، آیه ۲۱۹)

در این آیه به حرمت خمر و میسر اشاره نموده و بیان می دارد که، گرچه برخی انسانها برای آن نفعی متصورند، اما ضرر آنها بیش از نفع آنهاست و بنابر این حکم به حرمت داده می شود. نحوه استدلال به آیه چنین است که هر چند در استعمال مواد مخدر هم می توان نفعی لحاظ کرد؛ ولی به دلیل آن که ضرر آن بیش از نفع آن است محکوم به حرمت است.

مناقشه کلی در آیات ذکر شده

این آیات دلالت دارد که استعمال مواد مخدر اگر موجب ضرر معتنی به باشد، حرام است. اما آیات فوق و آیاتی مانند آیه ۶ سوره اسراء آیه ۵ سوره مائده آیه ۲۱۱ سوره بقره بر حرمت استعمال مواد مخدر در حد اندک و به صورت تفننی دلالتی ندارد و تا چنین حرمتی طبق دلیل محکم ثابت نشود، در موارد تردید حکم حلیت جاری است. بله استعمال مواد مخدر در حد بالاتر به گونه ای که آثار زیانبار آن محسوس باشد، چنان که غالباً در اشخاص معتاد چنین است، بی تردید مشمول برخی از آیات فوق و محکوم به حرمت خواهد بود. (آقا بابایی بنی، ۱۳۸۴، شماره ۴۳)

روایات

موضوع مواد مخدر سابقه طولانی در تاریخ دارد و در زمان صدر اسلام و حتی قبل از آن از موضوعات مبتلابه بوده است. بنابراین روشن است که روایاتی نیز در مورد آنها صادر شده باشد. از جمله روایاتی که در مذمت مصرف اینگونه مواد وجود دارد، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

از پیامبر اکرم نقل شده است: «من احتقر ذنب البنج فقد كفر» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷ ص ۸۶). هرکس گناه استعمال بنگ را سبک بشمارد، کافر شده است. در نقل دیگری آمده است: «سَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَلا تَسْلَمُوا أَكْلَ الْبَنْجِ» (همان، ص ۸۵) بر یهود و نصاری سلام کنید؛ ولی بر کسی که بنگ استعمال می‌کند سلام نکنید. در روایت دیگری از آن حضرت ذکر شده است: «من اكل البنج فكأنما هدم الكعبه سبعين مره و كأنما قتل سبعين ملكاً مقرباً و كأنما قتل سبعين نبياً مرسلأً و كأنما احرق سبعين مصحفاً و كأنما رمى الى الله سبعين حجراً و هو ابعد من رحمه الله من شارب الخمر و أكل الربا و الزانی و النمام» (همان، ص ۸۶) هرکس بنگ استعمال کند همانند کسی است که خانه خدا را هفتاد بار خراب کرده، هفتاد ملک مقرب را کشته و هفتاد پیامبر مرسل را به قتل رسانده باشد و همانند کسی است که هفتاد قرآن را سوزانده و... چنین کسی از رحمت خدا از شراب خوار، رباخوار، زانی و سخن چین هم دورتر است.

برخی از فقها از روایات یاد شده حرمت استعمال بنگ و حشیش را استنباط کرده اند و بدیهی است وقتی استعمال بنگ و حشیش حرام باشد حرمت استعمال دیگر مواد مخدر هم به طریق اولویت قابل استفاده است. گروهی از فقها مانند مرحوم آیت الله خوئی استعمال مواد مخدر را از باب اکل سم و ضرر رساندن به جسم و به مخاطره انداختن سلامت جسمی و روانی که حرمت آن در شرع مسلم است، حرام دانسته اند. (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۲۲، ص ۱۱۲) برخی مانند آیت الله خامنه ای به وسعت ضرر آن خصوصاً ضرر اجتماعی که مترتب بر مصرف مواد مخدر می باشد توجه نموده و حرمت آن را از باب اضرار شخصی و اجتماعی دانسته اند. (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری) قاعده حرمت اسراف، قاعده حرمت مقدمه حرام نیز در باب حرمت مواد مخدر می تواند مورد استناد قرار گیرد. روی آوردن به مواد مخدر در صورتی که مشمول ادله ضرر و زیان بر نفس باشد، به دلیل کافی بودن ادله حرمت ضرر، بی تردید حرام خواهد بود و فتاوی فقها مبنی بر حرمت نیز بر همین اساس است. بسیاری از فقها در گذشته تعزیر را متوجه اعمالی دانسته اند که شخص به سبب استعمال مواد مخدر مرتکب آنها می شود، نه برای صرف استعمال مواد. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۵) بنابراین اگر چه در گذشته فقها به تحریم مطلق مصرف مواد مخدر فتوا نداده اند و آن را منوط به تحقق ضرر کرده اند، ولی اکنون که ضرر داشتن آن بر همه آشکار شده است در حرمت آن تردیدی باقی نمی ماند. حتی برخی فقها ضمن فتوای صریح به حرمت استعمال تریاک، حشیش و مواد مخدر، استعمال تفریحی آن را نیز در صورتی که شخص در معرض اعتیاد قرار گیرد حرام می دانند. (گلپایگانی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۵) امام خمینی معتقد است «جلوگیری از خرید و فروش و پخش این مواد بی اشکال، لازم است. از نظر شرع هم باید این کار بشود.» (موسوی خمینی، ۱۳۹۴، جلد ۳، ص ۶۷) شهید مطهری هم از باب مفسده داشتن و ضرر داشتن تریاک حکم شرعی آن را حرام می دانند. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۴۰) در میان فقهای اهل سنت هم فتوای به تحریم استعمال حشیش و بنگ سابقه ای طولانی دارد. (آقا بابایی، همان).

حرمت تولید، معامله و قاچاق مواد مخدر

با توجه به حرمت استعمال مواد مخدر و عدم فایده عقلانی مصرف آنها و مفسادی که مترتب بر استعمال مواد مخدر است، حرمت تولید و قاچاق آن و کسب درآمد از این راه نیز قابل اثبات است. اگر تولید و معامله و قاچاق منتهی به استعمال شود، که در حال حاضر همینگونه است، حرمت این موارد نیز قابل اثبات است. فقهای که قایل به حرمت استعمال مواد مخدر هستند قایل به حرمت تولید و قاچاق آن هم می‌باشند. حرمت این امور پایه و اساس مبانی مجازات قاچاقچیان مواد مخدر می‌باشد. قاچاق مواد مخدر و معاملات آن را می‌توان از مصادیق صغریات فواعد و احکام کلی فقهی متعددی دانست که به برخی موارد اشاره می‌شود.

قاعده لاضرر

یکی از قواعد فقهی مهم که مبنای بسیاری از احکام فقهی قرار می‌گیرد، قاعده لاضرر است. البته در تبیین مفاد آن نظرات مختلفی وجود دارد. مهمترین آنها نظریه شیخ انصاری مبنی بر نفی حکم ضرری و نظریه آخوند خراسانی یعنی نفی حکم به لسان نفی موضوع ضرری است. (بجنوردی، ۱۴۱۹) تفسیر امام خمینی از این قاعده، نفی ضرر از باب احکام سلطانیه و حکومتی می‌باشد. دو تفسیر دیگر نظریه شریعت اصفهانی مبنی بر «اشتمال قاعده بر نهی تکلیفی» و نظریه «نفی ضرر غیرمتدارک» مربوط به نراقی است. (سلمانیپور، همان).

بر اساس تبیین‌های فوق از قاعده لاضرر، به جز بیان مرحوم نراقی، قاچاق مواد مخدر و فرایند تولید تا مصرف آن از صغریات قاعده مزبور می‌باشد، زیرا اگر حکم به اباحه آن شود، در واقع حکم به تکسب و تولید و معاملاتی شده که ضرر و زیان آن برای افراد جامعه و حیات آنها امری مسلم است. لذا از باب نفی حکم ضرری، حکم اباحه آن برداشته شده و حرام می‌گردد. موضوع مواد مخدر، تکسب و تولید و ... تا استعمال، به جز ضرر و زیان برای جامعه چیزی در بر ندارد و آن دسته از مشتقات مواد مخدر هم که کاربرد پزشکی دارند، چنانچه حکم به حلیت آنها کنیم، مورد سوء استفاده بسیار و بیش

از کاربردش در امور طبی قرار می‌گیرد و همان مضرات مواد مخدر را دارند. اما اگر قاعده را از باب احکام حکومتی و سلطانیه حجت بدانیم، چون ضرری بودن مواد مخدر برای جامعه و افراد آن روشن بوده و حتی می‌تواند تهدیدی برای حکومت باشد، از باب احکام حکومتی، محکوم به منع و حرمت می‌باشد. بنابراین بسیاری از فقهای معاصر نیز از باب ضرر اجتماعی قائل به حرمت تکسب، معاملات، حمل، نقل و حفظ... مواد مخدر شده‌اند. به عنوان نمونه آیت الله خامنه‌ای معتقد است «یحرم استعمال المواد المخدرة... من الإضرار الشخصية والاجتماعية المعتد بها و من هنا يحرم التکسب به ایضاً بالحمل، و النقل، و الحفظ و البيع و الشراء و غیر ذلک» (پایگاه اینترنتی اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری)

قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان

مستند حرمت معاونت در گناه و حرام علاوه بر آیه «و لا تعاونوا علی الأثم و العُدوان» (مائده، آیه ۲) حکم عقل و اخبار مستفیضه فراوان در موارد خاص دلالت دارد. و افزون بر آن، اجماع علما بر حرمت آن منعقد می‌باشد و فقها در موارد بسیاری بر اساس این قاعده فتوا داده‌اند. عمده بحث و نظر در تعیین و چگونگی تحقق مساعده و معاونت بر اثم و عدوان می‌باشد. برای تحقق معاونت باید عمل و فعلی از شخص سر بزند که در وقوع و یا اكمال و تمامیت جرم و گناه مداخلت داشته باشد. آنچه مورد تردید می‌باشد، اشتراط قصد و علم معاون به مداخله داشتن عملش در تحقق یا اكمال و تمامیت جرم است. مشهور فقها برای تحقق معاونت، فقط علم و اطلاع بر قصد تحقق حرام توسط مباشر را کافی می‌دانند. (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱ ص ۳۰۴) به هر حال از نظر ادله شرعی، اشتراط قصد یا علم اثبات شود یا نشود، نمی‌توان انکار کرد که تولید و قاچاق مواد مخدر با توجه به عدم فایده عقلانی و مصرف سوء آن از مصادیق روشن معاونت بر اثم و عدوان می‌باشد، زیرا تولید کننده و قاچاقچی هم علم و هم قصد دارند که مواد مخدر را در نهایت به مصرف سوء و حرام مباشر یعنی معتاد برسانند. بنابراین می‌توان حرمت تولید و قاچاق مواد مخدر از این باب را استنباط نمود.

البته بحث شرطیت قصد و علم یا عدم آن در تحقق معاونت از جنبه کیفری و مجازات بسیار تعیین کننده است، مثلاً چنانچه احراز شود فردی که به تکسب با مواد مخدر پرداخته، به موضوع مواد مخدر جاهل بوده و دچار غرور شده است، آیا علاوه بر بطلان تکسب و معاملات او، مرتکب جرم معاونت و عمل حرام شده است یا خیر؟ این بحث در مباحث مجازات کیفری باید مورد تحقیق قرار گیرد.

قاعده حرمت مقدمه حرام

یکی از قواعد فقهی که مبنای فتاوا قرار می‌گیرد حرمت مقدمه حرام است. اگر عملی سبب تحقق فعل حرام و گناهی باشد، خود آن عمل از باب مقدمه حرام، حرام می‌شود، چنان که اگر شرط و زمینه وقوع حرام گردد، به شرط این که شخص قصد حصول آن حرام از انجام مقدمه را داشته باشد، باز حرام است. (سلمانیپور، محمد جواد، همان.) قاچاق مواد مخدر را اگرچه به عنوان سبب عمل حرام (استعمال مواد مخدر) ندانیم و نیز اگر سبب جرائمی که معتاد مرتکب می‌شود، به حساب نیاوریم، اولاً می‌تواند زمینه و شرط استعمال مواد مخدر و حتی شرط برخی از جرائم معتاد در دست یابی به مواد تلقی شود. احراز علم و قصد تولید کننده و قاچاقچی نسبت به استعمال مواد توسط معتاد و یا علم به جرائم بعدی ناشی از اعتیاد وی نیز امری سهل است. کدام تولید کننده و قاچاقچی مواد مخدر است که نخواهد مواد مخدر تولیدی و یا قاچاق خود را به مصرف معتاد نرساند؟! ثانیاً، در موارد بسیاری قاچاق مواد مخدر، در انجام جرائم متعددی غیر از جرم استعمال و جرائم معتاد، به نحو سببیت یا شرطیت توأم با علم و قصد برای تسهیل و انجام قاچاق مدخلیت دارد. از جمله قتل، دزدی، رشوه، فریب، تهدید و ناامنی. بنابراین حرمت از این باب نیز می‌تواند مورد تأکید قرار گیرد.

قاعده نفی سبیل

یکی دیگر از قواعد مهم فقهی که هم آیات قرآن و هم اخبار مستفیض و هم اجماع بر آن اقامه شده و فقها در موارد کثیری مبنای استنباط احکام فرعیه قرار داده اند قاعده «نفی سبیل» است. (بجنوردی، همان، ج ۱، ص ۱۵۷) هر عملی که سبب شود دشمنان دین و یا غیرمسلمانان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمانان پیدا کنند، طبق این قاعده حرام خواهد بود.

در یکی از برآوردهای هزینه‌ای مربوط به مواد مخدر، مقایسه مجموع هزینه‌های مواد مخدر با برخی شاخص‌ها حاوی نکات جالبی است. چنانچه عده معتادان مواد مخدر ۳ میلیون نفر باشد ۱۱/۷ میلیارد دلار از سوی گروههای مختلف اجتماعی صرف هزینه‌های مواد مخدر می‌شود. به عبارت دیگر، هزینه‌ای که برای هریک از معتادان صرف می‌شود معادل ۳۹۰۰ دلار خواهد بود. یعنی هزینه سرانه مواد مخدر در سال ۱۳۸۴ معادل ۳۹۰۰ دلار است که در مقایسه با درآمد سرانه کشور (قریب ۱۰۰۰ دلار در سال ۱۳۸۴) حدود ۴ برابر است. به عبارت دیگر ۴ برابر درآمد سرانه‌ای که به هر ایرانی تعلق دارد فقط صرف هزینه‌های مواد مخدر می‌شود. همچنین هزینه‌های مواد مخدر کشور حدود ۲ برابر درآمد مالیاتی دولت، ۲/۳ برابر درآمد حاصل از صادرات غیر نفتی و ۴۷٪ درآمد حاصل از صادرات نفت است. (مختاریان، ۱۳۸۹، شماره ۴). این بعد قضیه کاملاً گویاست که چنین شرایطی باعث هر چه ضعیف‌تر شدن حاکمیت اسلامی خواهد شد.

از سوی دیگر آماری که در مورد سود حاصل از قاچاق مواد مخدر ارایه می‌گردد فقط در مورد تریاک به تنهایی حاکی از آن است که ارزش افزوده حاصل از قاچاق هر کیلوگرم تریاک از مرزهای افغانستان تا رسیدن به بازارهای مصرف خرده فروش ایران ۳ سه برابر قیمت خرید از فروشندگان افغانی است. چنانچه این مواد بخواهد به کشورهای اروپایی برسد سود حاصل از این تجارت مخوف گاه تا ده برابر رقم فوق افزایش پیدا می‌کند. چنانچه فرض شود قاچاق مواد مخدر با انگیزه‌های سیاسی از جانب دشمنان اسلام همراه باشد پر واضح است که چه هزینه سهمگینی به پیکره نظام اسلامی وارد خواهد آمد.

حتی اگر چنین انگیزه‌هایی وجود نداشته باشد از آثار شیوع مواد مخدر، زوال ارادی دفاع از دین و حریم می‌باشد که در این صورت سبیل برای دشمنان دین و اسلام فراهم می‌شود. علاوه بر اینکه چه‌بسا فرد معتاد به جهت از دست دادن غیرت دینی، به سهولت به معاملاتی که موجب ولایت کفار و دشمنان دین می‌شود، تن می‌دهد و در مواردی حاضر به همکاری با اجانب می‌گردد. بنابر این اگر چه در جمیع معاملات و تکسب، موضوع سبیل قطعی نیست، اما از آنجا که زمینه ساز اعمال ولایت کفار و سلطه دشمنان دین می‌باشد و در پاره‌ای از موارد سبب تحقق سبیل کفار و دشمنان دین می‌شود، برای صدق موضوع قاعده کافی است.

نتیجه‌گیری

بسیاری از علمای متقدم امامیه به لحاظ اینکه در شبهات تحریمی مادامی که دلیل بر حرمت اقامه نشده باشد، اصل حلیت را جاری می‌دانند و قائلند که حرمت نیاز به دلیل خاص دارد.

فقها در مورد مواد مخدر برخلاف سم‌های کشنده که کم و زیادشان حرام است؛ موادی مانند افیون و سقمونیا که مقدار کم آنها کشنده نیست بیع آنها که نوعی مخدر هستند را جایز می‌دانستند.

با نگاهی به ادوار فقه درمی‌یابیم با پیشرفت علوم و شناخت زیانهای مواد مخدر، علمای فقه نسبت به این مسأله بی‌تفاوت نبوده و آن را مورد توجه قرار داده‌اند. هر چه به عصر حاضر نزدیکتر می‌شویم نظرات آنها در خصوص حرمت این مواد با توجه به ضررهای جسمی، روحی و ضرر به جامعه و حاکمیت، آشکارتر می‌گردد به طوری که در بین فقهای معاصر این حکم به حد اشتها رسیدگی است.

دلیل اصلی حرمت تکسب از طریق مواد مخدر، راجع به استعمال آن است. از آنجاکه استعمال مواد مخدر موجود، آسیب‌زننده به جسم و روح فرد و جامعه است، هر عملی که منتهی به آن و موجب آن گردد، حرام خواهد بود.

حرمت تکسب از طریق قاچاق مواد مخدر را می‌توان از چند قاعده فقهی مانند قاعده لاضرر، عدم اعانت بر اثم و عدوان، قاعده حرمت مقدمه حرام و قاعده نفی سبیل استنباط کرد.

فهرست منابع

- ۱- اصفهانی، راغب، ۱۴۱۲، المفردات فی غریب القرآن، چ اول، بیروت، دارالعلم.
۲. باصری، علی اکبر، ۱۳۸۴، پژوهشی علمی - کاربردی در باره مواد مخدر، چ اول، تهران، وفاق.
- ۳- بجنوردی، سید میرزا حسن، ۱۴۱۹، قواعد الفقهیه، چ اول، قم، نشر الهدی.
- ۴- حلی، مقداد بن عبدالله سیوری، ۱۴۰۴، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ج اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۵. حلی، ابن ادريس ابن جعفر، ۱۴۱۰ السرائر، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. حلی، یحیی بن سعید، ۱۴۰۵، الجامع الشرائع، چ اول، قم، موسسه سید الشهداء العلمیه .
۷. حلی، (علامه) حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، ۱۴۲۰، تحریر الأحکام، چ اول، قم، موسسه امام صادق (ع)
۸. حلی، (علامه) حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، ۱۴۱۳، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، چ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۹. حلی، شمس الدین، محمد بن شجاع القطان، ۱۴۲۴، معالم الدین فی فقه آل یاسین، چ اول، قم، موسسه امام صادق (ع).
۱۰. حلی، (محقق) ابوالقاسم نجم الدین، ۱۴۰۸، شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چ دوم، موسسه اسماعیلیان.
۱۱. خمینی، روح الله، ۱۳۹۴، تحریر الوسیله، چ چهارم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱۲. خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۰، التنقیح، تقریرات میرزا علی غروی تبریزی، ۴۳ جلدی، چ دوم، قم، دارالهادی.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷، المبسوط فی فقه الأمامیه، چ سوم، تهران، المكتبه المرتضویه.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، الخلاف فی الاحکام، چ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طرابلسی، ابن براج، ۱۴۰۶، المذهب فی الفقه، چ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۶. عاملی، بهاء الدین محمد بن حسین، ۱۴۲۹، جامع عباسی و تکمیل آن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۳، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ششم، تهران، موسسه اسماعیلیان.
۱۸. گلپایگانی، محمدرضا، ۱۴۰۹، مجمع المسائل، چ دوم، قم، دارالقرآن الکریم
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳، تفسیر نمونه، چ سیزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، آشنایی با علوم اسلامی، چ سوم، تهران، انتشارات صدرا.
۲۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۳۹۳، زبده البیان فی احکام القرآن، چ اول، تهران، مکتب الجعفریه لأحیاء الآثار الجعفریه.
۲۲. مفید، محمد بن نعمان عکبری، المقنعه، ۱۴۱۳، چ اول، قم. گنگره جهانی
۲۳. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چ اول، بیروت، موسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث.
۲۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ۱۴۲۱، چ اول، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
۲۵. تارهای نهان، ۱۳۸۶، مرکز مشاوره دانشگاه تهران و اداره کل امور فرهنگی وزرات علوم، تحقیقات و فناوری، چ اول، تهران، مرکز مشاوره دانشگاه تهران.

۲۶. رازانی، حسین، ۱۳۹۹، مجموعه قوانین و مقررات مبارزه با مواد مخدر، چ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

۲۷. دستغیب، عبدالحسین، ۱۳۸۳، گناهان کبیره، چ هجدهم، قم، چاپ و نشر دفتر انتشارات اسلامی.

۲۸. آقا بابایی بنی، اسماعیل، دیدگاه شرع و قانون در برخورد با جرایم مرتبط با مواد مخدر مجله رواق اندیشه، تیر ۸۴، ش ۴۳.

۲۹. اسعدی، سید حسن، بهار ۱۳۸۶، مصرف مواد مخدر از دیدگاه حقوق جزاء فقه اسلامی و عرف، در: حقوق دادگستری، شماره ۴۲، ص ۲۵-۳۷.

۳۰. سلیمانپور، محمد جواد، پاییز ۱۳۸۲، مبانی فقهی حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر و جرایم مربوط به آن، در: فقه اهل بیت، ش ۳۵، ص ۴۵-۵۷.

۳۱. رضایی نسب، مسعود، شهریور ۱۳۸۸، مواد مخدر و مبانی فقهی آن، در: اصلاح و تربیت، ش ۸۸، ص ۵۵-۶۸.

۳۲. مختاریان، حسین، هاشمی، علی، زمستان ۱۳۸۹، اقتصاد مواد مخدر، برآورد هزینه در ایران، در: بررسی مسائل اجتماعی ایران، ش ۴، ص ۳۴-۴۸.

۳۳. نظری توکلی، سعید؛ احسان پور، سیدرضا، بهار ۱۳۸۹، بررسی مبانی فقهی جرم زدایی از مصرف مواد مخدر آرام، در: فصلنامه فقه پزشکی، ش ۲.